



AET2
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part II

Monday 05 June 2017 13:30 to 16:30 pm

Paper MES32

Advanced Persian Language

Answer **all** questions.

Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet

Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

1 Read the following **unseen** passage and answer in **Persian** the **five** questions below [15 marks].

- ۱ در بازنگری جنسیت‌گرایانه به تاریخ و ادبیات فارسی، تصویری محو و کمرنگ از حضور زنان دیده می‌شود که هر چه به زمانه ما نزدیکتر می‌شود این تصویر روشن‌تر و شفافتر می‌گردد.
- ۵ اگرچه حضور زن در تاریخ ادبیات فارسی حضوری نه در اوج بوده است، اما زن پیوندی ژرف با شعر فارسی دارد، چه آنجا که در نقش معشوقه و ساقی ظاهر می‌شود، چه آنجا که نخستین کلام آهنگین را به گوش فرزند می‌خواند. اگرچه در فرهنگ مردسالارانه تصویری که از زن ترسیم شده واقعی نیست و قرن‌ها زن با روش پیشنهادی مرد زندگی کرد و حتی خود را از دریچه چشم مرد تصور کرد و شعر را هم به سلیقه مرد سرود، ولی با گذشت زمان دگرگونی‌هایی در وضعیت سیاسی - اجتماعی به وجود آمد که ناچار تأثیری غیرقابل انکار بر زنان و نوشتار آنها گذاشت. تغییر دیدگاه‌های مرد نیز این حرکت را سرعت بخشید. ادبیات انتقادی - اجتماعی اواخر دوره قاجار که بازتاب شرایط سیاسی - اجتماعی و یکی از عوامل پیش‌برنده هدف‌های مشروطه بود، در بستری مناسب آگاهی‌دهنده و برانگیزاننده طبقات مختلف اجتماعی علیه نظامی استبدادی شد که از درون پوسیده بود.
- ۱۵ به استناد منابع ادبی و تاریخی فراز و نشیب‌های تاریخ ادبی ایران حرکتی هماهنگ با تاریخ سیاسی ایران داشته است و تأثیری متقابل بر یکدیگر گذاشته اند. رکود و ایستایی ادبیات دوره قاجاریه حکایت از تاریخ سیاسی رو به احتضار و نیمه جان این دوره دارد و نثر انتقادی و سفرنامه‌های آگاهی‌دهنده و نوشته‌های ادبی روشنگران دوره ناصری حاکی از آغاز دوره ای است که هنوز قدرت سنت‌گرایان بیش از اصلاح‌گران است و ارائه هر پیشنهاد اصلاحی به نابودی و عزل پیشنهاددهنده اندیشه‌گر آن انجامیده است. اگرچه سعی دولتمردان آن دوره حفظ و بقای همان ساختار بود، اما از دهه‌های پایانی سلطنت ناصرالدین شاه آثار ادبی در نقش کار سازترین وسیله آگاهی و بیداری عمل کردند.
- ۲۵ پایان دوره ناصری، آغاز دوره جدیدی در تاریخ ادبیات سیاسی ایران است. با نوشته‌های انتقادی روشنفکران، ادبیات فارسی رنگ دیگری گرفت و در تاریخ سیاسی ایران جنبشی پدید آمد. برآیند این تأثیر متقابل، آگاهی و هشیاری گروهی بود که به مداومت این حرکت یاری کردند و سبب دگرگونی ساختار جامعه شدند. قالب‌های پیش ساخته سنتی و فرهنگی از هم پاشیدند. حرکت آگاه‌کننده‌ای که از ادبیات آغاز شده بود در عرصه اجتماع گسترش یافت. پایگاه استبداد و اقتدار سیاسی حاکمان لرزید. اندیشه‌گران با افکار نو و طرح آن در نوشته‌های ادبی خواستار آزادی و فروپاشی استبداد بودند و در واقع رهبری اندیشه سیاسی با آنها بود اگرچه عملاً قدرت را کسان دیگر در دست داشتند.

Adapted from Constitutional Revolution and Female Poets in

<http://www.persianpersia.com/artandculture/adetails.php?articleid=16432&parentid=1&catid=10>

(accessed on 15/01/2017)

Questions

- ۱) جایگاه زنان در ادبیات فارسی چگونه بوده است؟
- ۲) نقش مردان را در نوع حضور زنان در ادبیات چگونه می بینید؟
- ۳) رابطه ادبیات و سیاست ایران را چگونه می بینید؟
- ۴) وضعیت ادبیات در دوره ناصری چگونه است؟
- ۵) وضعیت ادبیات ایران پس از ناصرالدین شاه چگونه است؟

(TURN OVER)

SECTION B

2 Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks]

دکتر علی شریعتی یکی از تاثیرگذارترین شخصیت‌های اجتماعی و فکری ایران در نیم قرن اخیر به شمار می‌رود. در این نزدیک به سی سالی که از درگذشت او می‌گذرد، موافقان و مخالفان درباره او سخنان بسیار گفته‌اند آنچه در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته، واکاوی نوشته‌های او به منظور کشف زوایای پنهان شخصیت او از لابه‌لای آن‌هاست. به بیان دیگر بیشتر اندیشه‌ها و عقاید صریح و هویدای او در ترازوی نقد قرار گرفته است و به ندرت سواحل دوردست وجود بررسی شده است. در این نوشتار قطعاتی از کتاب کویر را با نگاهی ادبی او مرور می‌کنیم.

دکتر شریعتی در مقدمه‌ی کویر می‌نویسد: «وجودم تنها یک حرف است و زیستنم تنها گفتن همان یک حرف، اما بر سه‌گونه: سخن گفتن، معلمی کردن و نوشتن. آنچه تنها مردم می‌پسندند: سخن گفتن، آنچه هم من و هم مردم: معلمی کردن و آنچه خودم را راضی می‌کند و احساس می‌کنم که با آن نه کار که زندگی می‌کنم: نوشتن». از این جملات به خوبی آشکار می‌شود که نوشتن برای شریعتی مفهوم دیگری دارد و از نظر او صرفاً رسانه‌ای برای انتقال عقاید و نظریات نیست. حال این سوال مطرح می‌شود که در میان انبوه نوشته‌هایی که از او برجای مانده کدامشان بیشتر مورد توجه او بوده‌اند؟

شریعتی در کویریات به دنبال ایجاد سبک تازه‌ای در نوشتن نبوده، بلکه این نوشته‌ها را نامه‌هایی می‌داند که به «هیچ‌کس» نوشته و سخنی سرشار از حقیقت که هیچ مصلحتی گفتن آن را ایجاب نکرده و از قید عنوان و مخاطب آزاد است. او در برخی از نوشته‌هایش به خواننده می‌قبولاند که مشغول خواندن رمز و رازی است و در پشت الفاظ پرکشش و جذابی که او را با خود می‌برد حقیقتی پنهان شده که باید نقاب از روی آن بردارد. شریعتی بر روی این نمونه از کویریات که حاصل تنهایی و خلوت اوست بسیار کار کرده و دست کم مدت‌ها در ذهن فعال و سیال خویش آن‌ها را پرورش داده است.

Adapted from, “*derange dar kavir-e doktor shari’ati*”,

<http://www.aftab-magazine.com/3/page2:1> (Accessed 18/01/2017).

3 Translate the following **unseen** passage into **English** [15 marks].

- ۱ **خانم نگار:** من با همه نفرتم دستم در به کار بردن خنجر می لرزد. من که از او بیزار بودم، چرا نتوانستم؟ او که می دانست من خنجری برهنه دارم؟ من خواستگارانم را دوست نداشتم. آنها چرب زبان بودند و لباس های خوب می پوشیدند، ولی هرگز با این همه گرمی و شور مرا دوست نداشتند. او یک جانور است، با این همه احساس! در وجود خواستگاران دیگرم هیچ رازی نبود، شاید برای همین دست رد به سینه شان می زدم. اگر سلطان مار این قدر ترسناک نبود – در وجود او راز نیست که که
- ۵ **سلطان مار:** این راز را نگهدار!
- {خانم نگار جا می خورد، بر میگردد، مبهوت می ماند، سلطان مار اینک جوان زیباییست که مار نیست}
- ۱۰ **خانم نگار:** تو – کی هستی؟
- سلطان مار:** سلطان مار! - شوهرت!
- خانم نگار:** هان؟ - منتظری باور کنم؟
- سلطان مار:** اقلأ گوش کن -
- خانم نگار:** هر که هستی برگرد، وگرنه فریاد می زنم
- ۱۵ **سلطان مار:** اگر فریاد بزنی مجبور می شوم به آن جلد برگردم.
- خانم نگار:** جلد؟
- سلطان مار:** این راز گره من است. آن را پیش کسی باز نکن.
- خانم نگار:** {مبهوت} – یک جانور جلدش را به دور انداخته!
- سلطان مار:** عشق او را از حصارش بیرون کشیده! سالهاست که می توانم مار نباشم. اما اگر نباشم – می فهمی دختر زیبا – اگر نباشم نابودم!
- ۲۰ **خانم نگار:** چرا؟
- سلطان مار:** اینجا، در این قصر به یک مار احتیاج دارند و باید باشم.
- خانم نگار:** ولی، بدون این جلد تو -
- سلطان مار:** دوست داشتنی هستم؟ شاید همسرم، ولی سیاست احساسات ندارد. بدون این هیبت من هیچم.
- ۲۵ **خانم نگار:** امتحان کن!
- سلطان مار:** کرده ام. اینها مجذوب قدرتند. اگر بدانند که من مردی مثل دیگر مردم، بدانند که قدرتی فوق دیگران ندارم، برایشان مسخره می شوم!

Adapted from: Bahram Beyzaei, "soltān mār" (1345/1966), pp. 32-34.

(TURN OVER)

SECTION C

4 Write an essay in **Persian** of **about 400 words** on **one** of the following topics [25 marks].

(a) Explain the importance of mother tongue in protecting identity and the concept of national independence.

(b) Referring to the story of Rostam and Sohrab, discuss the concept of defeat for heroes.

(c) Discuss one of the Persian movies you have watched recently and explain why you like it?

END OF PAPER